

« امور جنائی و شهادت شهود »

« گرچه متهم در مراحل بازجویی و در دادگاه منکر ارتکاب بزه انتسابی است لکن با توجه بگواهی گواهان و سایر اوضاع و احوال مسلم است که انگار وی بشنود فرار از مجازات بوده گناهکاری او محرز و با رعایت ماده ۴۴ قانون مجازات عمومی محکوم است بشش سال حبس مجرد ۰۰۰۰ »

این است نمونه یکی از آرائی که امثال و نظائر آن از اغلب دادگاههای جزائی صادر می شود .

گواهی گواهان شاه دلیل و متکای ادعای نامه و حکم دادگاهی است که نقطه پایان آن چند سال حبس مجرد است . آیا متهم مقصر بوده و برای فرار از مجازات انکار می کرده یا آنکه واقفاً بی گناه و بی تقصیر است و با فشاری وی در انکار ارتکاب گناه بیان واقع و حقیقت میباشد معلوم نیست . لکن شهود در مراحل بازجویی بشوجه اتهام و ارتکاب بزه ازناحیه او شهادت داده اند و نتیجه گواهی گواهان بزهکاری متهم و بالنتیجه محکومیت او است .

بحث ما در ارزش شهادت شهود در امور جزائی است و اهمیت موضوع و تأثیر و خیم آن ایجاب می کند که کاملاً مورد توجه و دقت قرار گیرد در قانون مدنی ما شرطی برای شاهد و ارزش شهادت ذکر شده است و چون قانون مجازات و اصول محاکمات جزائی در این بساط ساکت است باید اینطور نتیجه گرفت که رعایت همان اصول و شرایط در شهادت جزائی نیز ضروری است .

مواد ۱۳۱۳ بید قانون مدنی شرایط جرح شهود و چگونگی شهادت مؤثر را بیان میدارد ولی فقه اسلام در باب شهادت مفصلتر و مشروح تر توضیح مطلب میدهد . در قانون اسلام اجتماع شرط برای گواه لازم است تا بشهادت او بتوان ترتیب اثر داد - شرایط گناه فقه اسلامی عبادتند از :

- ۱ - بلوغ .
- ۲ - کمال عقل .
- ۳ - ایمان .
- ۴ - عدالت .

۵ - رفع تهمت (یعنی شاهد نباید در مظان تهمت باشد در موضوع نفی داشته یا دفع ضرری کند . یا عداوت و خصومت و سابقه دعوا با طرف داشته باشد . یا آنکه مأخوذ به علقه خویشاوندی و خادم و مخدومی باشد یا آنکه سائل بکف باشد) .

۶ - يك نژاد باشد (شهادت حرامزاده مسموع و متبوع نیست) پس از ذکر این خصوصیات عده شهود نسبت بانواع جرائم فرق می کند در بعضی امور حتماً شهادت مردها لازم است و در بارة موارد زنهام میتوانند شهادت بدهند اما شهادت دوزن ارزش گواهی بکسر را داراست و نسبت با اهمیت موضوع عده شهود و نسبت شهود زن و مرد فرق میکند .

امروز ما بانانون مجازات عمومی و اصول مدون سروکار داریم و خطرهم از همین جا ناشی می شود چه اغلب به قشر قانون و شرائط مندرج قناعت میکند و حال آنکه این شرائط برای حصول ایمان به بی غرضی بی نظری و بی طرفی شاهد که باید از روی علم و اطلاع و وجدان گواهی دهد کافی نیست شرائط قانونی برای رد شاهد مستند خوبی است ولی برای پذیرش آنها کافی نخواهد بود چه :

اولا - اداء شهادت و بیان واقع و حقیقت برای شاهد با کمال حسن نیتی هم که دارد در بسیاری موارد مشکل و سنگین است - موقمی که موضوعی را دیده باشنیده قصد اداء شهادت نبوده از این لحاظ دقت کافی بعمل نیامده و پس از مدتی آنچه در خاطر ازش مانده یا از نظرش گذشته بصورت واقع و حقیقی بیان میدارد که مسلماً با حقیقت اختلاف دارد و همین اختلاف ممکنست موجب محکومیت طرف گردد .

درسان دانشکده حقوق استاد وارد شده و کلیه دانشجویان با احترام او پیا میایستند . استاد چند کلمه با دانشجویان صحبت کرده و بیان میدارد که موضوع کار امروز ما چگونه اداء شهادت خواهد بود . سپس خارج شده و با تعویض لباسهای خود پس از چند دقیقه بر می گردد و از دانشجویان می خواهد که مشاهدات خود را راجع به کیفیت لباسی که چند دقیقه قبل در تن داشته بنویسند .

ازین ۴۰۰ نفر دانشجو ۱۰۰ پاسخ که کاملاً منطبق با واقع باشد داده نمی شود . استاد دستور می دهد خلاصه مطالبی را که برای آنها راجع به موضوع درس گفته نیز بنویسند و سعی کنند حتی المقدور از لغاتی که خود او استعمال کرده بکار برند بلازم نتیجه آزمایش بهیچوجه رضایتبخش نبوده و گفتار استاد آنطور که او گفته منکس نکر دیده و حال آنکه :

۱ - شهود امر در این مورد یکمده جوان تحصیل کرده دانشگاه دیده بودند .

۲ - تا اندازه ای قبلاً جلب توجه آنها شده بود منذلك آنقدر اختلاف در نوشته های آنها بود که خود استاد بشک میانند که آیا واقماً همانطور که ۱۰۰ نفر نوشته اند کراوات آبی داشته یا بسلیقه صد نفر دیگر کراوات سبز بوده یا بشهادت بعضی دیگر اصلاً کراوات نداشته است . در این قسمت چون سوء نیتی از طرف شهود نیست رفع اشکال تا اندازه ای سهل و آسان است و بالضروره باید قول اکثریت را مناط دانست و یا اذا تعارضت تاساقطاً و همیشه خطاء باصره سامعه را منظور داشت - ولی آنجا که شاهد منحصر بفر د است یا دو سه نفر بیش نیست کار مشکل تر می شود .

در قانون جزای فرانسه قبل از تدوین کد نابلئون شهودت بکنفر مسموع نبوده و شهودت دونفر بیلا لازم بود . نابلئون با این عقیده مخالفت کرده و اظهار میدارد :

« چطور شما قبول نمیکنید که يك مرد شرافتمند سبب محکومت يك فرد بیوجدان گردد و حال آنکه اجازه میدهید دونفر بیوجدان موجب محکومیت يك مرد شرافتمند بشوند ؟ »

استدلال غلط و غیر منطقی نابلئون سبب شد که شهودت انفرادی در قانون مجازات فرنگ مورد قبول واقع گردد .

ثانیاً - آنچه بیشتر در امر شهادت باید مورد توجه قرار گیرد ایمان شاهد است که آیا شاهد در مقابل ایمان و وجدان خود خلافتی میکند یا آنکه بیان واقع و حقیقت مینماید. متأسفانه بارها و بکرات در عمل دیده شده که شاهد از محور حقیقت و راستگویی منحرف شده و بعلل عصبانیت - احساسات - کدورت و کینه توی با چشم داشت و جانبداری بِنفع یکطرف و بضرر دیگری شهادت داده است که آن شهادت موجب صدور حکم محکومیت گردیده است و این امر با رشد فرهنگ و سطح ایمان افراد يك مملکت وابستگی کامل دارد - نه با دانه سو کند و نه تهدید مجازات - چه مطابق قانون جزای فرانسه مجازات شاهد دروغی که در محضر دادگاه جنائی مبادرت با ادعای گواهی کذب کند چندین سال نفی بلند با کار اجباری و با حبس با اعمال شاقه است و حتی اگر در نتیجه شهادت کذب فردی محکوم بکیفر سخت تری شود شاهد دروغگو بهمان مجازات محکوم خواهد شد. علاوه شاهد قبل از ادعای گواهی بکتاب مقدس سو کند یاد می کند که حقیقت را بگوید و تمام حقیقت را بگوید و جز حقیقت چیزی نکوید ولی ان زمول خشک موجب شهاداتی شده که از بین صدها مورد سه چهار مورد آن برای اطلاع خوانندگان ذکر می شود .

در بیج یکی از کوچه های پر جمعیت پاریس کامیونی طفل ده ساله ای را زیر گرفت شوهر ترمز سختی کرده و از کامیون پیاده شده فراد می کند - در همان موقع بازرگانی کربان شخصی را گرفته و میگوید تو بشت فرمان این کامیون نشسته بودی که آدم زیر گرفتی - عابر سخت عصبانی شده و بازرگان میگوید ای دروغگو مگر دیوانه شده ای که مرا مرتکب قتل معرفی میکنی - بازرگان با اعتراض میگوید این مرد بیجا هم آدم کشته وهم بن توهین میکند - متهم بزندان اعزام و در تحقیقات معموله معلوم میشود که سابقاً با عده ای از دوستان خود اتومبیلی را دزدیده و بعداً دستگیر شده این بازم کامیونی که بچهارا زیر گرفته مال مسروقه است - علاوه شاهد در تحقیقات دوم بطور منجز اظهار میدارد با چشم خود دیده این شخص راننده کامیون مورد بحث بوده .

دفاع متهم باینکه در همان نقطه وقوع حادثه از اتوبوس خط ۶۸ پیاده شده و از سرعت کامیون و مرک طفل هیچگونه اطلاعی ندارد بدیهی است مورد قبول واقع نمیشود - صرف نظر از سابقه سرقه اتومبیل گواه عینی موجود است که او را مرتکب عمل معرفی کرده پس از چند روز که متهم در زندان میماند وقتی می خواهند لباس او را عوض کنند در بازرسی بدنی بلبلی اتوبوسی پیدا میشود که مهر ابطال آن مربوط بهمان ساعت حسادته کامیون بوده و بلبلی خط ۶۸ است شرکت اتوبوس تصدیق میکند که بلبلی مربوط ساعت ۳ و نیم بعد از ظهر روز وقوع حادثه (یعنی همان دقایقی که کامیون طفل را زیر گرفته) و مربوط بخط ۶۸ می باشد . دادگاه شاهد را احضار و در پیشگاه دادگاه سراجا گواه اعتراف می کند که من اول گمان کردم این شخص راننده کامیون بوده و ای وقتی بن فحش داد و توهین کرد متهم عصبانی شده و او را مرتکب معرفی کردم .

جوانی وارد مشروب فروشی شده و پس از صرف يك کیلاس مشروب بدستشویی بنظور رفع حاجت میرود بمحض ورود صدای تیری بلند شده و مردی در خون روی زمین می غلطد - پلیس که وارد مشروب فروشی میشود تنها شاه - همان جوانی است که در کنار مقتول ایستاده و اظهار میدارد من دیدم قاتل این شخص را بانیرزد و از درع مشروب روشی که مهمانخانه باز میشود فرار کرد - صاحب مغازه میگوید این حرف دروغ و این عمل غیر ممکنست چه آن در همیشه بسته است و طبق نظامنامه پلیس هیچگونه در رابطه بین مشروب فروشی و مهمانخانه نباید باز باشد - متهم بزندان آورد و پس از مدتی محاکمه شده و مجرم قتل عمد به بیست سال حبس با کار محکوم میگردد - پس از ۳ سال پلیس فرانسه شخصی را بنام اوباز دستگیر میکند که سوابق متعدد جنائی داشته و ۳ سال پیش

از مملکت فرانسه فرار کرده بود در تحقیقات لوپاز صراحتاً اعتراف میکند که قاتل شخصی است که در مشروب فروشی چند سال پیش کشته شده و از در بین منازعه و مهمانخانه فرار کرده است - در تحقیقات بعدی که از صاحب منازعه میشود اظهار میدارد چون ترسیدم که پلیس بعثت بازگذاشتن بین در مشروب فروشی و مهمانخانه مرا جریمه کند این بود که بطور منجز گواهی دادم آن در همیشه بسته است و نتیجتاً متهم محکوم شد .

جوان بیگناه پس از ۳ سال از پشت میله های زندان خارج شده و عجیب اینکه مجرم واقعی لوپاز به بازنده سال حبس محکوم می شود و حال آنکه بی گناه اولی به بیست سال زندان محکوم شده بود (مشروب فروش به جرم شهادت دروغ به چهار سال حبس محکوم گردید) .

در چند سال پیش که در باریس افرادی را بجرم همکاری با دشمن اشناگر نازی محاکمه می کردند شخصی بنام وادول مورد تعقیب قرار گرفت - اتهام او این بود که با گشتابوی آلمان رابطه داشت . متهم جداً از خود دفاع می کرد و میگفت دوفرزندش را آلمانیها کشته اند و هرگز پادشمن دمساز نبوده چند نفر پیش و کم کنایه های بوجود رابطه بین وادول با پلیس آلمان میزدند ولی یکنفر زن منجزاً در دادگاه شهادت داد که بچشم خود دیده که بارها وادول بگشتابوی آلمان مراجعه و با افسران هیتلری رفت و آمد داشته و کیل مدافع وادول در دادگاه از شاهد می پرسد خانم چند وقت است وادول را میشناسید - جواب میدهد از سال ۱۹۴۰ - وکیل مدافع می پرسد خانم مطمئن هستید که فقط از سال ۱۹۴۰ او را میشناسید و قبلاً با او هیچگونه سابقه ای نداشته اید - شاهد جواب میدهد بطور قطع فقط از ۱۹۴۰ تا کنون او را میشناسم و قبل از این تاریخ با او هیچگونه سابقه و آشنائی نداشته ام .

وکیل مدافع از کیفیت خود سوادمصدق حکمی را خارج میکند که مربوط بسال ۱۹۳۶ یعنی ۴ سال قبل از تاریخ ادعائی شاهد بود و بموجب آن حکم این خانم در مقابل طرح دعوی وادول در محکمه به ۵۰۰ فرانک غرامت محکوم شده بود و امر و زخانم فرصت را مغتنم شمرده در ضمن تصدیق کشور از عناصر بیگانه دوست حساب خورده خود را با حریف سابقش تصدیق می کرده .

همینطور که یکنفر معلم دبیرستان بیاس دوستی و آشنائی با پدر شاکلی خصوصی شهادت دروغی داد که موجب محکومیت بیگناهی گردید همینطور که صاحب مهمانخانه برای اخفاء آنکه مهمانخانه اش برای ارتکاب عمل مزانی عفت آماده نیست بدروغ شهادت داد که متهم قتل را هرگز در مهمانخانه خود ندیده و از این راه متهم محکوم شد . نظیر این موارد بسیار و حاکی است که قاضی زنها را بتکاء شهادت شهود نمیتواند عالم بزهکاری افراد گردد .

در محاکم ایران موارد شهادت دروغ و گواهان ذینفع و جانبدار آنقدر زیاد است که مجال برای ذکر مثال نخواهد ماند و خطر شهادت کذب در ایران بدرجات بیشتر از فرنگ است . چه در محاکم جنائی ایران علامت شهود را در پیشگاه محکمه احضار نمی نمایند و قاضی بپیمان شهادتی که نزد ضابطین دادگستری و بازپرس و دادیار کرده قناعت میکنند و حال آنکه در محاکم اروپا شهود در دادگاه حاضر شده و در مقابل هیئت حاکمه و هیئت منصفه اظهارات خود را تکرار مینماید که چنانچه بیانات او خلاف واقع باشد قطعاً با اظهارات اولیه اش اختلافاتی پیدا میکند که همین اختلافات گویائی او را رسوا خواهد کرد - علاوه قانون مجازات فرنگ مقرر داشته هر وقت شاهد از بیانات خود عدول کرده و انحراف آورد با بگوید از مجازات معاف خواهد شد - رئیس دادگاه این نکته را بگواه تذکر میدهد و باز راهی برای اصابت بواقع گشوده میشود .

چنانچه در یکی از مقالات سابق نوشتم بیشتر اوقات در پیشگاه دادگاههای ما محاکمه پرونده مطرح است نه محاکمه متهم چه تمام اسباب و ادوات کاره آن کاغذ هائی است که پرونده را تشکیل داده

و دادگاه جنائی به علت کثرت کار و تراکم امروقت ندارد که در محکمه رسیدگی دقیق کرده - شهود را استماع و بی تمام مطالب دقیقاً رسیدگی نماید و بهمان اظهارات متناقض طرفین و شهود و غیره قناعت کرده و از مجموع آنها حکمی صادر مینماید . برای رفع این اشکالات بنظر نگارنده چند راه حل میرسد که باید مورد توجه قرار گیرد

۱- در رأس همه لازم است که تجدیدنظری در قانون مجازات عمومی بعمل آمده بسیاری از جرائم که به علت مجازات جنائی جنبه جنایت با آنها داده شده از عداد جنایات خارج شده و با تغییر نوع مجازات در ردیف جنحه قرار گیرند - در عمل دادگاه جنائی برای جرائم جمل استفاده از سند معمول - معامله معارضه و امثال آن که همه جنائی است بیش از دو یا ۳ سال حبس نمی نویسد و چون در زندان ماعلا فرقی بین حبس مجرد و حبس با اعمال شاقه و حبس تأدیبی نیست بهتراست که مجازات این جرائم را حبس تأدیبی تعیین نمایند و عنداللزوم پایه حبس تأدیبی را تا ۶ سال قانوناً بالا ببرند و با این کیفیت مقدار زیادی از پرونده های جنائی از بایگانی آن دادگاه خارج شده و بداد گاههای جنحه فرستاده شده و بسرعت با آنها رسیدگی میشود - این عمل در سایر ممالک هم سابقه دارد - تا قبل از ۱۹۳۰ تمدد زوجات در فرانسه جنایت بود ولی رسیدگی بکار به علت تشریفات زیاد بطول میانجامید و اغلب در نتیجه مدافعات احساساتی و کلاه در دادگاه جنائی که هیئت منصفه شرکت میکردند منجر بیراث منتهم میگردد - از آن تاریخ بعد این جرم را جنحه تشخیص دادند و مجازات آنرا حبس تأدیبی در نظر گرفتند و چون محاکم جنحه بسرعت بکار رسیدگی کرده و اغلب حکم محکومیت میدادند - نسبت قابل ملاحظه ای میزان جرم بیگامی در فرانسه کم شد .

اگر در وصف مجازات امان نظری شود و بیشتر حبسهای مجرد و با اعمال شاقه و حبس تأدیبی تبدیل گردد علاوه از اینکه کمتر مجر بین از چنگال مجازات فرار میکنند از کثرت کارهای جنائی هم کاسته شده و دادگاه عالی جنائی واقعا با امور جنائی که مجازات آنها حبس با اعمال شاقه و حبس ابد یا اعدام است رسیدگی کرده و در نتیجه فرصت بیشتری داشته و در رسیدگی منتهای دقت را معمول داشته و وقت آنرا خواهد داشت که شهود را در دادگاه احضار و با اعتراضات طرفین واقعا رسیدگی کرده و حکمی که صادر مینماید از خطا و اشتباه در امان باشد

۲- مقررات مواد ۲۱۵ و ۲۱۶ و ۲۱۷ قانون مجازات عملی عملاً برای جلوگیری از اداء شهادت دروغ کافی نیست و میزان این مجازاتها بنسبت تأثیری که برای منتهم دارد باید بالا برود - یکسال حبس برای کسی که بدروغ شهادت علیه شخصی داده و او را منتهم بقتل کرده و در اثر این شهادت منتهم بیای چو به دار میرود کافی نیست . بلکه باید قانوناً برای شاهد دروغ همان مجازاتی را معین کرد که در اثر آن شهادت منتهم بآن مجازات محکوم میشود .

۳- شاهی که شهادت او در دادگاه جزا ممکنست موثر واقع شود حتماً از طرف رئیس محکمه برای اداء گواهی در روز جلسه احضار شود رئیس محکمه او را سونده داده و عواقب شهادت کذب را با او تذکر دهد و حتی بر رئیس دادگاه قانون اجازه دهد که چنانچه بر او روشن شد که شاهد دروغ میگوید حق داشته باشد فوراً دستور توقیف او را صادر کند و سپس امر بتکمیل رسیدگی داده و شاهد کاذب را بجزایات قانونی برساند .

تمام این امور فرع راین است که اقضات مانند ماشین کار خواسته نشود - آمار ملاک ترفیع و حسن کار آنها نباشد بی جهت پرونده ها را زیاد نکنند و مردم را سرگردان نسازند - دستگاه تعقیب واقعا دستگاه تعقیب جرم باشد بهیچوجه مزاحم اشخاص بیگناه نشوند ولی وقتی مجرمی گرفتار شد حداکثر سعی و کوشش برای کشف واقع و کیفر بز هکار بکار رود .